

درین جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

اداره خانه

(ده افغانان کابل)

سر دیر

سید محمد قاسم

همه امور تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارد مختار است

هر هفته یکبار نشر میشود

او راقیکه درج نشود اعاده نمیشود

امان افغان

۷ ۳ ۳ ۶

از اینای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش جریده برایش فرستاده میشود

ازوزرا واعیان دولت بقدر

معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی

ومعاونین و وقایع نیکاران (فخری)

رایگان

از عموم خریداران در داخله

(۱۲) روپیه کابلی در خارجه

نیم پوند انگلیسی با محصول پوسته

از طلاب و محصلین نصف قیمت

ششماهه

داخله خارجه

(۸) روپیه (۷) شلنگ

قیمت يك شماره يك عباسی

تاریخ شمسی ۱۵ دلو ۱۳۰۴

(ه شنبه)

تاریخ قمری (۲۰) رجب (۱۳۴۴) هجری

مطالعات وافکار

افغانهای افریقا

توجه حکومت و ملت خود را میخواهند

بعض مستعمرات حکومت انگلیس است که آنها را مستعمرات آزاد میگویند ، مثل : کندا ، اوسترالیا ، افریقای جنوبی اگرچه نام این ولایات مستعمره آزاد است و از خود حکومتی و پارلمانی دارند و قوانین هم وضع کرده بمحل اجرا میگذارند اما برخلاف میل حکومت انگلستان ولو در یک مسئله جزئی هم باشد اقدام و حرکتی نمی توانند .

در افریقای جنوبی از هر قسم مردم برای تجارت و دیگر کارها رفته زندگانی دارند . افغانها که زحمت کش ترین مردم هستند و در تحمل مشکلات نظیر ندارند در نتیجه این صفت بهر نقطه دنیا موجود اند . در افریقای جنوبی هم عده زیادی از آنها موجود است . در این حصه افریقای جنوبی که مستعمره انگلستان است بر مردم آسیائی همه وقت مظالم اجرا می شود . هندیهای بیچاره تحته مشق این مظالم اند چنانچه همه وقت ستونهای جراثد هندی ازداد و فریاد اوشان بر می باشد . افغانها از باعث شجاعت ادبی و قوه فطری قدری کمتر مورد مظالم واقع می شدند ولی حال در افریقای جنوبی برخلاف آسیائی هایک قیام عمومی شده قانونی که وطنی ها و اروپائیها را به نسبت آسیائی ها امتیاز میدهد و بیچاره آسیائیها را تحت رقیبت فکری و اقتصادی آورده دوچار مشکلات صعبی می سازد . طرح گردیده دفعه اول در پارلمان

قرائت و تصویب شده و اکنون بار دوم قرائت می شود . چون که ممکن است این مرتبه هم قانون استعماری و غلامی آسیائیها تصویب و مرتبه سوم نیز تصدیق شود بیشتر از قرائت آن مردم آسیائی به هیجان آمده اند و از طرف هندیها و فدی به هند آمده که تمام هند را بر علیه این قانون برانگیختانده حکومت هند را مجبور نمایند تا توسط حکومت انگلستان حکومت افریقای جنوبی را ازین اراده اش که برخلاف حقوق انسانیت و بشریت است باز دارد .

هندوستان و هندوستانها برای هندیها دست و پا میزنند افغانهای افریقا که از خود حکومت آزاد و ملت بزرگ معروف به حمیت دارند آیا غم اوشان خورده نمیشود ؟ ما در اینخصوص مقاله دیگری خواهیم نوشت فعلا جلب توجه حکومت متبوعه خود را بسوی این مسئله مهم می خواهیم .

مایشته ازین از احوال هندوستان بواسطه جراید آنجا مطلع میشدیم . ولی از احوال اینطرف اتک هیچ نمیدانستیم ! در تیر و زها بواسطه رساله ماهانه (سرحد) که نو بطبع آغاز نموده است از بعض جریانات آن قطعه مطلع میشویم . پاره از خبرهای آن بسیار دلچسپ است و ما بشرط فرصت تلخیصاتی از آن درج مینمائیم قسط اول آن تقدیم است :

(۱) سینما

پرو فیسر محمد عنایت الله خان مدیر مکتب دولتی پشاور طلبای مکتب را از رفتن به سینما خانهها منع کرده است که برای اخلاق و اقتصاد طلبا آنرا مضر میدانند .

(اداره : - سینما مثل سایر اشیا حسب استعمال بسیار مفید یا بسیار مضر شده میتواند . سینما که شرکت نمایشات عرفانی ما در کابل رایج کرده است . تا حال غایب و مقصد اصلی نمایش عرفانی را تکمیل نتوانسته است ، چون که (قلمها) از خارج میخواهند و کمپانی برای منفعت خود هر چه ندارد میفرستد از آنجهت موضوعات آن اکثر به قصه های معاشقه های اروپاست ، بر آمدن یک آفریس خوش شکل در تصویر و معاشقات و تاثرات و جبهه فتنه مذکور چیزی نیست که فطرت بشری را اشتعال و هیجان ندهد ! و ازین ثابت است که هیجان اسباب خرابی شرف و اخلاق و محبت میشود . ما بشرکت نمایشات عرفانی مشوره های دوستانه عاجزانه خود را تقدیم میکنیم امید است که جوانان ما ازین مهلکه های مذکوره برهاند ! و شرکت خدمت عرفانی بجا بیارد)

(مشوره ما)

(۱) : هیچ فلمی بموقع تماشا گذاشته نشود تا بیک هیئت سانسور کابل آزرانیده باشد (ولی این سانسور باید اختیارات خود را سوء استعمال نکند . فقط مقصدش نگذاشتن فلم های بد اخلاق است و بس)

ب : هیئت سانسور مذکور نظامنامه مکمل داشته باشد
(۲) شرکت کوشش کند که فلم های ذیل بکابل برسند
۱ : مناظر طبیعه

این مناظر سلسله های مختلفی در اروپا دارد که قسم مهم آن ، نشان دادن حیات نباتات حیوانات بری و بحسری است که از وقت تخم یا تولد گرفته تا به حین موت مسلسل نشان میدهد . و نیز خصایص و قوای آنها را بچشم میتوان دید این سلسله را « برتش میوزیم » اداره می کند و از لندن بخوبی ممکن است حاصل کرد .

علاوه بران مناظر جغرافی و شهرها و مهارت و غیره نیز مفید است .
ب : واقعات هفته :

این سلسله هم بسیار مهم و یکجری زنده است که وقوعات مهم هفته را نشان میدهد .

ج : فلم های علمی و فنی
این فلمها هم اقسام زیاد دارد و غالب آنها خوب هستند و استفاده خوبی از آنها می شود . بعضی ازینها قطعاً مطابق دعوت آنتیاتی یا اسلامی نیست . لهذا باید اول دیده . و بعد در موقع تماشا گذاشته شوند .

(۳) شرکت فلم های ذیل را قطعاً در معرض تماشا نگذارد

۱ : فلم های پرو یا گند که مخصوصاً بر علیه شرقی ها و افریقائی ها ساخته شده اند و دران شرقی رامکار . بی ایمان ، جیان و ناقابل ترقی نشان میدهند . (اگر چه خود اوروپائیها اینرا در شرق کمتر جرات می کنند که بموقع تماشا بگذارند)
ب : فلم اخلاق غربی

اخلاق غرب قطعاً مخالف اخلاق اسلامی است . مثلاً در غرب برهنه روی زن ها . اخلاق کامل است و رفتار تکامل غرب این برهنگی روی را به موی و گردن و سینه رسانده و در تاترها غیر اعضای مخصوصه دیگر هیچ جای زن پوشیده نمیشد ولی در اخلاق اسلامی ستر یکی از ضروریات دینی و مواهب اخلاقی است . و غیر کسانی که چشم شان را شهوت پوشیده است کسی انکار نخواهد کرد که اوضاع غرب هیجان پروری محض است و بس .
پس فلمیکه اخلاق اوروپا را نشان بدهد . در مسلمانها اولاً نفرت . حقارت و اگر دوام کرد بیغیرتی و هیجان پروری را تولید می نماید .

لهذا شرکت نمایشات عرفانی از قصص عشقیه قطعاً اجتناب کند . ما شنیده ایم که رئیس محترم شرکت مخصوصاً سفارشی در باب اخلاقی بودن فلمها به هند می فرستد ولی چنانچه خود شان میدانند . این سفارش پیش اوروپائیها فرستادن یعنی است زیرا آنها فلم نو برای شرکت نخواهند ساخت هر چه دارند می فرستد . و نیز معنی لفظ « اخلاق » را چنانچه ما میدانیم نمی فهمند . زیرا اخلاق آنها قطعاً علیحده است از آنچه ما داریم یا از آنچه ما میخواهیم اهالی مابعد ازین داشته باشند . البته ازینکه بعضی اخلاق مشترك هستند که ما هم آرا می پسندیم و آنها هم منکر نیستند ولی آنها کمتر درین فلم ها موثر آفتان داده شده اند باید تنها قصصی را نشان داد که در آن کارستانهای معاشقه نباشد و علی الخصوص « بوسه » وجود نداشته باشد . در عین زمان ما متفقیم که اینطور فلم ها کم خواهد یافت ولی خیر است اگر کم بیابند هر چیز خوب در دنیا کم است .

ج : فلم های دینی « عیسوی »
در غرب ، کلیسا و فلم بعضی تقاطعی یافته اند که بران متفق شده اند ، ولی این اتحاد از جهت آن است که فلم هارا اصلاح نمایند زیرا روحانیون و پادریهای غرب دانستند که فلم اخلاق را در اوروپا محو کرده بازار شهوت را گرم میکند . در نتیجه این اتحاد بعضی فلمهای بسیار توانا میدان بر آمد که قصه های بنایی اقوام سابقه مندرجه انجیل را مثلاً قوم لوط ، عاد ، ثمود و غیره را فلم ساختند ، ولی چون قصص مذکوره در انجیل تحریف

یافته است برای مسلمانان دیدن آنها درست نیست ، زیرا اثر دیدن واقعات تاریخی از خاطر نمیرود و چون آنها تحت اثر تحریفات مسیحی ها هستند لهذا واقعات غلط بیاد مسلمانان ازان مانده و سبب مخلوط شدن فرمایشات تاریخی قرآنی و این مشاهدات فلمی انجیلی گردیده مضرت میرساند !

اینک بمناعت پروفیسر عنایت الله در پشاور ما را و ادار کرد که مطالعات خود را سرسری و هر چه بیاد آمد نگاریم و جوانان مملکت را که استقبال در دست آنها است اطاعت لادین و از روی محبت بانها و بوطن عزیز خود . از مصایب مدهش مذکوره اخطار کنیم باقی

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

(۲) قادیانها

— چندی قبل قادیانها جلسه برای تبلیغ قادیانیت در پشاور میکردند . مسلمانان غیور پشاور آنها را در (اسلامی کلب) جا دادند ولی قادیانها در عوض این خوش اخلاقی تفریر کردند که غیر قادیانها دیگران همه کافرند این تکفیر عمومی دیگر جانی برای اخلاق و خوشگذرانی نگذاشت . مسلمانهای پشاور آنها را از اسلامی کلب کشیدند هم سه نفر از قادیانها علی رؤس الاشهاد توبه کردند و از قادیانیت برار شدند

(۳) مطبوعات تازه

درین روزها مطبوعات این طرف اتمک زیاد شده . هرود . چنانچه علاوه بر « سرحد » یک اخبار ۳ روزه دیگر بنام ترجمان سرحد و یک مجله ماهواره به نام « افغان » از هونی مردان شایع شده اند . مجله افغان در بست تازه به اداره رسیده . اجمالا دیده شد خیلی خوب است و لازم است حساسین و جوانها آن را اشتراک نمایند . تقریبی که بر « افغان » امان افغان مینویسد در نمره آتیه انتظار باید کشید .

(قشون ملی)

به قلم آقای غلام حیلانی خان

بدیه است : سر باز حقیقی برای مدافعه از وطن و تحصیل حقوق وطن از دشمن اهل و انبای وطن است !
وطن پیش از فراهم شدن همه حوائج ضروری و حفظ موجودیت خود ، با اتحاد و محبت و احساسات وطن پرورانه و علاقه مندی انبای خویش محتاج است .
عسکری قشون رسمی که از توده ملت انتخاب شده و برای مدافعه مملکت اختصاص یافته اند ، هر چند شرف خصوصیت و امتیاز در تربیه و فنون مدافعه یافته باشند باز هم احساسات شان

طبعاً متایل با احساسات ملی وار واج شان محکوم تربیه و روحیات ملت است .
ملی که دارای روحیات عالی و عواطف وطن دوستی و طرفدار شون و شرافت ملی است عسکر آن بالطبع باشهامت و مردانه و شجاع است .

عواطف و احساسات ملی برای افراد عسکری آن یک قائد و رهبا و مرئی فراخوری شناخته میشود : مثلاً موقع ظهور یک حادثه افراد یکعسکریکه از طرف قوماندانها و صاحب منصب شان با امر مدافعه و سربازی محکوم میشوند این محکومیت را رسماً پذیرفته بمسیدان رزم میشتابند ، ولی اگر در موقع خطر شیرینی و محبت حیات فکر شان را متردد ساخت البته باید واری مانعاً پدیری و چشمداشت از انماض و معاونت اقارب و کسانش بی نیل مقصد رجعت مینمایند ، و اما اگر ارواح ملی و تبلیغات پدر و کسانش مؤید اوامر فرماندهانش بوده باشد بیچاره برای خلاصی جان از مخاطره حاره و ملجأ ندارد . بایستی :

« یابانند بگردون ، یاسر نهید دران راه »

البته پافشاری و مقاومت آن تانفس آخرین حتمی است . معلوم است : همین عساکریکه بترتیب کنونی در تحت تربیه و آموختن فن حرب و مدافعه اند فقط اثر تربیه و زحمات قائدین و ضابط در مادیات شان خواهد بود . اگر در روحیات و احساسات و معنویات شان اثر ظهوری بهم برساند از جمله مکتوبات سطحی و عارضی بوده حکم طبیعی را دارا شده نمیتواند ، زیرا اخلاق و معنویات آنها در جامعه از اخلاق و روحیات ملی سیر کرده محکم انفاذ اکثریت مطیع آن میشود . اگر روحیات ملی مهذب و نفیس و عالی است البته آنها بهرگونه فدا کاری و ثبات و مردانگی ابقا میتوانند ، والا از سنگ و رجعت شان هیچ قوه جلوه گیری نمیتواند .
والحاصل : مرجع ، تقلید عسکر در شجاعت و ثبات و فداکاری و وطن دوستی و کسب روحیات و معنویات عالی اساسا جامعه ملی است روحیات ملی هر طوریکه مقتضی است اندازه قدرت و عدم قدرت عسکر معیار آن قرار میگیرد .

دانشمندی میگوید : در سر مدافعه قشون رسمی و قشون ملی هر دو یکسان مؤظف هستند و فرقی ندارند . فقط قشون رسمی که قبل از وقت تهیه شده و پیش از ظهور فتنه در میر خط اول مدافعه حاضر است البته عنداللزوم و وظیفه خودش را ایفا می نماید ولی آیت فتح و فیروزی را در ناحیه حال ملت بایستی جستجو نمود که خطوط ما بعد متشکل از وجود آنها می شود . دیگری میگوید : شکست قشون در معرکه اهمیتی ندارد . شکست حقیقی شکست قشون ملت است که روح و احساسات آنها تابع محکم و مفید سلطه مهاجم شود .

اهمیت قوای ملی و اتحادشان در حفظ و مدافعه وطن و پیشرفت مهمات زنده گانی بیش از آنست که درین مختصر نگارش گنجایش یابد. ولی بطور اجمال میگویم: رشادت و فتوحات ملت عرب در اعصار اول اسلام و نهضت جهانیان در شرق و غرب بلاد عالم، ثبات و پایداری ترانسواال، رشادت و مردانگی قشون آلمان در سایه احساسات جنگجویی و وطن دوستی ملت رشید آن، مدافعات و فتوحات حیات بخشاننده ملت ترک بوطن خودشان هکذا مدافعات مردانه خصم شکنانه ملت رشید افغان و سرکوبی های متواتر دادر بدشمن خلی قوی خودشان شاهد و مصدق این دعا است. بی وطن محتاج بشون ملی یعنی بسر بازی و وطن دوستی اهل و انبای خود است. انبیاك و علاقه مندی يك ملت، وطن شان را از هرگونه تجاوز و مخاطره محافظه کرده میتواند بشرطیکه فلسفه حب وطن در روح آنها تزریق کرده شود.

« چه باک از خصم زور آور اگر ملت بود همراه »
تعصب ملی و غیرت قومی يك مملکت را از داشتن هرگونه قوای بهتری نیازی می سازد قوه ملی برای حفظ و حیات يك مملکت چنان يك عامل قویست که در برابر آن هیچ قوه را نمیتوان تقدیر و اندازه نمود.

انگلیسان موقع استیلاي خطه بزرگ هند بواسطه نفاق و فقدان احساسات و وطن دوستی اهالی بکمال سهولت پیشرفت کرده بهیچیک مانع و خساره بر نخوردند ولی در جنگ ۳ سال قبل و زیرستان سرحد که آن علاقه کوچک نسبت بهندوستان حکم دهکده را دارد آن حکومت بزرگ را آفت زخاره و مشکلات محیور ساخت که نزدیک بود فوج کاندارا بکمک حاضر سازد !! زیرا ملت شجاع آن دارای روح نفیس ملی و علاقه مند بوطن خودشان بودند. لهذا بایک اعتقاد راسخ میتوان گفت بقای يك مملکت، دوام و استحکام یکدولت بر اساس احساسات و وطن دوستی و علاقه مندی ملت آنست، دولت بدون همراهی و تعاون ملی بتنهائی خود متکفل اداره مهمات مملکتی و قطع دست متجاوزین اجنبی شده نمیتواند.

دولتی که دارای يك ملت شجاع و وطن دوست متعصب است شرف و اطمینان و امیدواری آن بیش از آن دولتی است که مقابل تمام عده نفوس این عسکر منظم دارد. ازینجا بایضاح مطلب برداشته و تشریحات گذشته که راجع باهمیت قنون ملی بود و ما آن را مقدمه مطلب قرار دادیم، غرض ما در نتیجه از توضیح این جمله: (احساسات و وطن دوستی و تولید روح اتحاد ملی) است

بلی اگر احساسات و وطن دوستی و روح اتحاد ملی در يك ملت مفقود است صفت قشون ملی را دارا شده نمیتواند و از چنین مانی چشمداشت خیر و صلاح نسبت بوطن شان نباید داشت بلکه نفاق و عدم علاقه آنها بوطن خطره عظیم زوال و انقراض یکدولت و يك مملکت را ایجاد می نماید ولی این بلیه نفاق و عدم علاقه ملت را يك علت طبیعی نباید شمرد بلکه این يك نوع عارضه ایست که بصرف واقعات عصریه و کفایت و عدم کفایت رجال و رؤسا و زمامداران عصری اتفاق می افتد مثلا: يك ملتی که هنوز علم و عرفان نشو و نما یافته و مقدرات خودشان را بواسطه استیلاي جهل بد رستی تعیین کرده نمیتواند معلوم است که اگر زمامداران و رؤساء آن ملت دارای کفایت و مالک احساسات و افکار عالی است آن ملت جاده های ترقی و عزت و اعتلا را طی کرده میروند. بالعکس اگر زمامداران و قائدین قوم اشخاص جاهل و فاقد کفایت و درایت اند آن ملت رو با انحطاط و ذلت و فلاکت میگردد. بسا اتفاقی افتاده که يك ملت گمنام موقع بوجود آمدن يك زمامدار لایق شان دارای مفاخر و شهرتی گشته و بتسخیر عالمی پرداخته اند مثل مغولها در عصر چنگیز و تیمور و افغانها در عصر علاؤالدین و اشرف و محمود و احمد شاه درانی. و بسا اوقات از ملل نامدار معروفه بواسطه فقدان کفایت رجال عصری خود بخواری و نکتب دوچار گردیده اند مثل ملت کهن ایران در عهد شاه حسین صفوی و ترکها در عهد و حیدالدین.

مسلم است اگر رجال لایق با کفایت و دارای عواطف و احساسات عالی در صدر اداره مملکت قرار بگیرند البته چنین زمامداران لایق بفراخور سلیقه خویش زمامداران جزیه را هم از طبقات امثال خود بشاغل و مهمات مملکتی میگمارند و این طبقه اشخاص نظر بدایقه و میل طبیعی خودشان فقط يك عشق مغرضی بترقی و تکامل و عزت و سعادت ملک و ملت خود داشته تمام مساعی و مجهودات شان صرف این راه می شود و در نتیجه همان حاصل نیکنایمی و سعادت است که بخودشان و ملت شان عاید شده صحائف تاریخ و جراید عالم اسم شان را بجزمت و تقدیس برده بذکر خیر در هر جا یاد می شوند.

همچنین از مردمان فرومایه نالایق کسانیکه با بنقلم نایل میشوند اینگونه اشخاص نه اینکه ذوق نیکنایمی و آرزوی حسن شهرت و مفاخرند بلکه بواسطه تحدید معلومات و عدم بصیرت و آگاهی از امور اجتماعی و مملکت داری نمیدانند مقدرات خود و مملکت خود را چگونه تعیین کنند و چگونه اشخاص را برای اداره مملکتی بگمارند

خطبه اعلیحضرت غازی

روز جمعه (۱۴) عقرب

در جامع خرقة نبویه قدهار

حمد و نعت به عربی!

اما بعد عزیزان من! اگر در گفتار امروزه من چیزی سکنه بوقوع انجامد عفو من کنید که درین هفته دوروز بیمار بودم و اکنون هم در طبعم کسالت آن باقی است! خیر هر چه از دوست میرسد نیکیست - میخواهم در معاملات حقوقی که ملت بر دولت و دولت بر ملت دارد و در نظامات و قوانین موجوده توضیح آن شده است، برای تان چیزی بگویم، تا ازین بیان خود بتوانم در افکار عالی شما بقدر امکان خوبی و فواید قوانین حکومت متبوعه تانرا ذهن نشین کرده بتوانم.

به همه شما معلوم است که اسلام يك دین مقدس است، و اولین مسلک و مذهب مهنی که در تمام کائنات برای رفاه و بهبودی انسانها شرف نزول فرموده است همین دین مبین محمدی (ص) است که همه پیروان خود را بیک قانون درست و نظام خوب راهبری میکنند.

اگر چه سابق از اسلام هم بعض احکام و قوانین آسانی بواسطه دیگر پیغمبران کرام برای انسانها موجود بود لکن اگر در همه آنها دقت بکار برده شود یکی از آنها مانند دین مقدس اسلامی ما و شما مکمل و مطابق بااحتیاجات عامه نبود، درین موضوع عدم تکمیل آن قوانین آسانی که پیش از فرود احکام محمدی (ص) روی کار بود حاجت باوردن هیچ دلیل نداریم زیرا خود ایزد بلك در تعریف دین اسلام می فرماید که اسلام يك دین مکمل و پیروی آن موجب سرفرازی دنیا و رستگاری آخرت است. چنانچه مسلمانها بیکه بشرف صحبت رسول مقبول (ص) که يك رهبری حقیقی و پیشوای مقدس ماست افتخار یافته اند و حقانته برقرار او امر و فرمائشات نبوی کار کرده اند به ترقیات مهم دینی و دنیوی در يك زمان بسیار اندک رسیدند، و تا وقتیکه آن قانون مقدس را مسلمانان از دست نداده بودند رفعت اسلام روز افزون بود. جای تأسف است که اکثری از مسلمانهای عصر حاضره نه تنها قر آن کریم را گذاشتند و هدایات وار شادات رسول خدایا فراموش کردند، بلکه عوض آن عادات خراب و رسوم نامناسب دیگران را باندازه فرا گرفتند که حالا صورت رسم و عادت و رواج عمومی را بین شان پیدا کرده است! اگر خوب فکر کنید اسلام هرگز این شیوه و مسلک موجود مسلمانها را

اینگونه اشخاص نه خودشان بهره از موقع و مقام خود حاصل کرده میتوانند و نه مملکت از وجود آنها استفاده میتواند از همین نقطه نظر است که اهالی دنیا قدرت زمامداران مملکتی را محدود ساخته مقدرات خودشان را خودشان در دست میگيرند ولی عقیده غالب دانشمندان عالم رین است که در ملل جاهله اگر زمامدار مطابق العنان مقتدر دارای کفایت و لیاقت و عواطف ملت دوستی و وطن پرستی باشد ملت و مملکت خودش را يك آن زودتر بشهره ترقی و تعالی سوق می نماید! کار نامه های در خشنده بطر بزرگ و میکادوی اعظم و ناپلئون کبیر مؤید این عقیده است، از فرمایشات حکیمانه اعلیحضرت شاهنشاه ایران رضاخان پهلویست: که تغییر رژیم حکومت باحوال ترقی و ضعف يك مملکت فرقی نمیکند بلکه علت نزول یا سبب ترقی کفایت و عدم کفایت زمامداران وقتی را باید شمرد.

خدمات برجسته و ککار نامه های شاندار فراموش نشدنی اعلیحضرت غازی تاجدار و طن پرست خود مان فرمایش این مرد بزرگ را مثال تأیید است.

مبهن است که: اگر زمامداران ادارات يك مملکت از طبقات لایق و عناصر صالح و وطن دوست تعیین می شود این طبقه بمقتضای احساسات و تحریک عواطف و آرزوهای قلبیه خودشان ملت را برای اتحاد و یگانگی و محبت وطن دعوت میکنند البته شکی نیست که ملت بر اثر کفایت اینگونه اشخاص بواسطه نیل براحت امنیت، و عدالت و منفعت و آسایش وطن به محبت وطن نگریند در آن صورت وطن در قلوب شان کسب عزت و محبت کرده در مخاطره وطن مال و اموال و جاهلهای عزیز خودشانرا از هرگونه فدا کاری مضائقه نمیکند و از محبت و تعاون و همراهی دولت خود خود داری نمی نمایند. بالعکس اگر هیئت اداره يك مملکت از طبقات جاهله دنی است این طبقه غیر از مقصد پول نصب العینی ندارند اول خدمت شان ابراز نفاق است در بین ملت تا از موقع خودشان استفاده کرده اجماع و اتحاد ملت موفقیت آنها را متزلزل سازد، سپس سلب راحت امنیت و عدالت و آسایش عامه است که باین واسطه همین وطن محبوب مأمن عیش و نعمت کودال فقر و ذلت در انظار و افکار مردم تجسم کرده اثری از محبت و قیمت وطن در دل آنها باقی نمی ماند حتی در موقع خطر وطن و هجوم اجنبی بیشتر از اجنبی بغض و کین دولت خود را در خاطر داشته دولت متبوع خودشان را بیکه و تنها مقابل خصم میگذارند!! از همین جهت فرموده شده (الملك بقی مع الکفر ولا ینقی مع الظلم)

سلام جیلانی

جائز نگفته است و ما شمارا بجز از متابعت شریعت و حب اسلام بد یگر چیزی توصیه نکرده است !

بلی بر هر مسلمان واجب است که اسلام را بلند تر از پدر و مادر و تمام کائنات بداند و هیچ چیزی را به مقابل اسلام اهمیت نداده تماماً گرویده شریعت بوده سلسله اسلامیت خود ها را مربوط نمایند و بقومیت و غیره چیزهاییکه موجب تفرقه و تفاق باشد چنانچه در خطبه سابق مفصلاً گفتم ناز و تفاخر نماید زیرا این چیزها باسلامیت ما خلل وارد میکند .

در دوره حکومت من قوانینی که وضع و ترتیب شده اند تماماً همان احکام قرآن پاک و رسول اکرم بوده مطابق بمذهب شریف حنفی است و موجب وضع و ترتیب آن ، این بوده که عموم اهالی و اکثری از حکام و مامورین چنانچه شاید و باید بمطالب و معانی آیات و احادیث و بر موز مسائل شرعیه نمیدانند و از آن استفاده نیکی لازم باشد کرده نمی توانند و آنیکه می دانند بنا بر مطالب شخصی و اغراض نفس خود دیگران را ازان اطلاعی نمیدهند لهذا خواستیم تا همان مسائل و احکام شرعیه که متعلق بضروریات و احتیاجات اهالی و رفا و بهبود عمومی است ، حتی الا مکان بزبان عام فهم در نظامات دولتی نقل و ترجمه کرده شود ، علاوه بر آن چیزها نیکی داخل اختیارات اولوالامر است و خداوند بمن عاجز اختیار تعیین آنرا داده است ، باقائ وزارت دولت و کلاهی شملت آنها را نیز از فکر عاجزانه خویش نظر ملاحظیات زمانه و عادت ملت و ضرورت وقت محض برای آسایش و آرامی و ترقیات حال و آتی شمدارج نظامات دولتی نمودم اگر شما درست غور کنید خواهید دانست که نظامات موجوده برای منفعت شخصی خان و ملک و کدام خاندان مخصوص و حکومت و مامورین و شهزاده ها و دیگر اعزّه نیست ، بلکه در تمام آنها رفا و آبادی و آسوده حالی غریب ترین و عاجز ترین طبقه ملت مازیر نظر گرفته شده است تا آنها از زیر ان فشار و تکالیفی که سابق از عهد سلطنت من عاجز بالای آن بیچارگان که صدا و ندای شان بجای رسیده نمی توانست ، بود ، کاملاً مرفوع گشته ، دست آنها نیکی جنگلهای خونین خود را بجان و گوشت آن مظلومین همیشه فرورده خون شان می چوشیدند ، کوتاه شود !

معلوم است در صورتیکه غریب ترین طبقه ملت ما آرام و آسوده و خوشحال باشند حتماً خان و ملک و ملا حتی حکومت هم خورسند و خاطر جمع می باشند ، و در آن ترقیات و پیشرفت عمومی طبعاً ما و شما بانها شریک گشته می شویم چرا که در افغانی

یک مثل است « که خنی به یارانی » اساس فکر من تنها بیداری و خیر داری عامه ملت از حقوق خویش ، و خوبی و آسوده حالی عمومی میباشد و فقط برای بدست آمدن همین مطلوب نظامات موجوده را وضع کردیم آدست ظالمان و متجاوزین از سر مظلومین و بیچارگان کوتاه باشد ، زیرا سابق ازین هر چیزی که حاکمها و مامورین میخواستند بالای رعیت اجراء میکردند و هر چه که میل خاطر و بسند فکر شان می شد بچنان صورت حکمی و قلمی بالای ملت مظلوم جاری می نمودند که احدی را طاقت گفتن چون و چرا دران مورد نمی بود !

و باید که چیزی نمی گفتند ، زیرا از طرف حکومت کدام قانون و تمسک موجود نبود که ازان ملت بمحقوق خود خبر دار ، و از تجاوزات و تعصیل او امر ظالمانه آنها انکار میکردند ، که بموجب کدام قانون و کدام حکمنامه و فرمان این کار بالای ما اجراء میشود در عمارتی که فی الحال من عاجز سکونت دارم همه شما معلوم است که بخون جگر و لولک ناخن شما ملت قدهار تعمیر و تیار شده است و احدی را طاقت چون و چرا گفتن در وقت تعمیر و دادن نقر و کشیدن تکالیف ایگار و بیگار آن نبود خدا را شکر گذارم که امروز زحمات و خون جگر خوردن این خدمتگار افغانستان نتیجه خوبی بخشیده و احدی از مامورین و تبعه حکومت نمیتوانند که خلاف قانون و نظامات حکومت مقبوعه خود رفتار کنند ، و یا یکی از مامورین ما از فکر و خیال خود که علاوه بر مندرجات نظامنامه باشد کاری نموده بشنوند !

فکر کنید که درین آمدن من بقدهار برخلاف عادت مقررات سابقه برای یک فردی از شما قدریک سرموی تکلیفی عائد نشده و نه از حواله و سورات و ایگار و بیگار و دیگر مسائل لازمه خبر دارید ، نبودن و عائد نشدن این تکالیف را فقط حمل بر حسن خلق و خوبی من نکنید بلکه قوانین و نظامات حکومت مقبوعه تان برای احدی اجازه نداده است که امتال این تکالیف را بالای ملت اجراء کند ! نظامنامه دست خیانت و شرارت صاحبان رسوخ و نفوذ را بسته و چیزهای را که از طرف حکومت بواسطه حکام و مامورین بالای ملت مقررات ، معین و معلومدار ساخته و اضافه بر آن برای هیچ یک از مامورین خواه امیر باشد یا وزیر ناسبالحکومه باشد یا حکمران اختیاری نداده است که بر رعیت ، بار اندازی یا ازوشان اضافه ستانی کنند ، و برای عامه ملت و هر فرد رعیت حق داده است که بمجرد ملاحظه نمودن بی قانونی و بی اعتدالی مامورین و حکام ، عرض و داد و شتمکایت خود را به سلسله مراتب بالا جای نمایند !

این است اندکی از خوبی و محاسن نظامنامه که بشما بیان شد ، مگر افسوس دارم که بعضی از خائنین و ارباب غرض که نظامنامه بازار جور و ستم شانرا سرد کرده ، و چنگالهایی بر خون خیانت و شرارت شانرا از جن و مال ملت مظلوم که برق جبین و زحمت بین خود زندگانی میکنند کوتاه نموده است ، افواهای رنگارنگ را نسبت بقوانین حکومت می اندازند ، و اسباب غلط فهمی و تفرقه را بین ملت محبوب من و حکومت مقبوعه شان می افکنند ، درینصورت برای ملت لازم است ، که اندکی از عقل و فکر خود کار بگیرند و سخن های ناصواب و پروپاگند آن ارباب غرض را که ناخن جگر خراش شان از بیخ کنده شده است ، گوش نیاندازند ، هم چنین برخی از مامورین ظالم و خائن نیز فقط برای پیشرفت مقاصد شخصی و قائم نمودن عظمت نفس خویش آن مواد و مسائل نظامنامه را که برای رفا و بهبود شملت پوشانده است و آن فقراتی که متعلق بمنافع ذاتی و فواید خودش و پریشانی ملت عزیزم است حکم و اجراء آنها داده حواله آنرا بر نظامنامه که در جیب خود پنهان نموده است ، میکنند و بدین واسطه سوء استعمال در گرمی بازار و ازدیاد عزت و وقار خویش می افزایند ، درین موضوع من رعیت را نیز ملامت میکنم که آنها چرا بر نظامنامه علم آوری نمیکند ، و چرا خود را از همان تکلیفی که بروشان عائد میکنند نمیدانند ! که آیا حقیقه در نظامنامه مندرج است ؛ یافقط از طرف مامور و حاکمین بر اغراض نفسی بر آنها بار اندازی شده است !

بارها گفته ام و باز خدمت شما عرض میکنم که یکانه علاج این درد و وسیله دیگر ترقیات و بهبودیهای شما علم است اگر علم داشتید و بواسطه انوار ضیاء بار علم و عرفان راه ترقی و تهالی خود را ببینید نه تنها راه را از چاه فرقی میکنید بلکه اساس های خوب و چیزهای مرغوبی را برای آبادی و سرسبزی ملت و مملکت خود پیدا میکنید اگر علم نداشتید نه تنها معاملات دنیوی شما در هم و خراب میگردد ، بلکه از امور دینی و اخروی خویش نیز ناواقف میاید و اگر علم و دانشمند بودید معلوم که کارهای دین و دنیای شما بکام تان میباشد ترا علم در دین و دنیا تمام که کار تواز علم گیرد نظام .

بلی ! اگر علم نداشتید خدا را هم نمیشناسید و در تمام امور دینی و دنیوی خویش سراسیمه و حیران میاید ، و همیشه منتظر و نگران بیان و زبان دیگران میباشید یک نفر ملا برخاسته میگوید اگر در قدمه نماز انگشت خود را بالا کردی کافر میشوی ،

و دیگری آمده فغان بر میدارد که از برای خدا ضرور در نماز با انگشت اشاره کنید و الا نماز تان نمیشود - یکی میگوید اگر فلان عمل را نمودید و هانی میشوید و دیگری آمده می سراید که اگر فلان مسئله معتقد نباشید حتماً قادیانی میشوید - شخص علمی و ندان حتی اکثری از علما و خوانین نادان نیز این اختلاف افکار و رنگارنگی گفتار را دیده حیران و پریشان میشوند که بکدام عمل و عقیده اقدام کنند تا زود خالق و خلق نیکنام و در دنیا و آخرت شاد کام بنماید ! این اختلافات و پریشانی ها و نادانی ها که تماماً نتیجه بیعلمی است مرا از حد زیاد زیر تاثیر آورده است و شبها روزگوشش دارم و خون جگر میخورم تا ملت خود را ازین مفاسد تیره و تاریک بیرون آورده بانوار علم و عرفان ایشانرا را هانی کنم ، لهذا از یکطرف برای ایشان نظامات و قواعدی را وضع کرده ام تا از طبقه موجوده ملت دست اذیت کوتاه شده تماماً بواسطه تعقیب و عمل نمودن آن از مضرت برکنار و باسرت سرد و چار شوند ، و از جانب دیگر مکاتب و مدارس متعددی را در تمام گوشهای مملکت خود کشاده ام تا طبقه آینده رعیت علم و دانسته شده خوبتر ازین نظامات و قوانین موضوعه ام استفاده کرده بواسطه علم و عرفان نه تنها دردهای ملت را دوا بلکه به ترقیات و تعالیات موجوده جهان نیز آشنا شده این زحمت کشی و جان کنی های مرا که برای آبادی و بهبود مملکت می نمایم تقدیر خواهند کرد !

وقتی که شما علم و دانسته باشید حتماً از نظامات و قوانین موضوعه حکومت مقبوعه خود معلومات میگیرید و در موقع نفاذ حکم و اوامر حکام و مامورین خویش آن احکام را با نظامات خود تطبیق میدهد ، در صورت موافقت بدون تعال بسرعت در اجرائی آن میکوشید و در شکل مخالفت همان نظامنامه را که یک نسخه آن بدست شملت و نسخه دیگرش بالای میز حکومتی مانده است گرفته شما هم و مامور خود میگویند ! چون این حکم شما برخلاف نظامنامه است ما از تعصیل آن بهسوتی میکنیم و یا فلان شخص را چرا حبس کردید ؟ و از فلان چرا باز خواست کردید ؟ حالانکه در نظامنامه درین مسئله مجازت مقرر نشده است ، گویا نظامنامه برای عموم شما آزادی اسلامی و حریت شخصی تان را عطا کرده است و شما را از سائر پریشانی و در مانده گی نجات بخشیده است ، یقین دارم که این بیانات عاجزانه ام ضرور شما را زیر تاثیر آورده است و پس از همین دقیقه در تعلیم علم و عرفان بطور جدی خواهید کوشید و زیاده برین جاده بجای ندانی و بیعلمی نخواهید شد ، و بعد ازین

خود هارا دوجار فلاکت و مصیبت جبهالت نخواهید داشت !
 بعضی از شما بدل خود بر من اعتراض خواهید کرد که
 درین کلان سالی وریش سفیدی چطور ما عالم ودانسته خواهیم
 شد ؟ و چگونه خواهیم توانست که تحصیل کنیم ؟ آیا شوق علم
 لدنی را بدل پرورنیم ؟ عرض میکنم که بآئیه اولاد های خویش
 دلسوزی کنید و لطف کرده آنها را به کتاب بفرستید تا عالم ودانسته
 شده برای شما و مات و مملکت خود خدمت کنند . میدانید
 که همین اطفال شما هم روزی معمر وریش سفید خواهند شد و همین
 وطن و مات خود هارا ادا خواهند نمود . در صورتیکه علم و فهمیده
 باشند نه تنها شما را بدعاى خیر یاد ؛ بلکه این پدر معنوی
 خود هارا که « امان الله » عاجز است نیز بدعا گوئی و رضامندی
 خویش شاد خواهند کرد ؛ و یقین دارم نسبت بشما اولاد های تان بیشتر
 از من اظهار تموینت و مسرت کرده این خدمات ناچیزانه ام را تحسین
 و آفرین خواهند گفت . باز میگویم که سعادت های دینی و دنیوی
 مربوط بداشتن علم و عرفان است تا شما عالم نشوید هر چند برای
 نام افغان و مسلمان باشید کاری را از پیش برده نمیتوانید . و از
 حال مکر و فریب دشمنان شرف و تعالی خویش نجات یافتن تان
 مشکل است . امروز بر آوردن و دور کردن احذیا جاتی که شما
 برای تکمیل ثروت و عزت خود دارید . از حد ضرور است .
 اگر شما در تکمیل حوائج و فراهم آوردن ضروریات خویش اندکی
 سستی و تبلی را در مجموع نازک بخود راه دادید هانا که تاریخ
 متعشع افغانی را بر بباد ؛ و خود را با خاک برابر و خاستان داخلی
 و دشمنان خارجی خود را بدست خود بر خود کامیاب کردید !
 امروز در دنیا توبهائی موجود است که ۲۰ میل خاک دشمن را
 زیر آتش میگیرد و طیاره های ساخته شده که از تمام حرکات
 و سکنات رقیبان خود کشفیات میکند ، مقابله توب با سوته
 خوب ممکن نیست پس ضرور است که ما و شما هم بالمقابل آن
 قوتی داشته باشیم و از کید و حربه دشمنان خود غافل نشویم و
 به بی تحصیل علوم همت گماریم تا ما هم از زمین آن دارای توبهائی
 دور زن و طیاره و دیگر آلات و ادوات حربی باشیم و ازین
 رهگذر به مقابله آنها کم نیایم .
 اگر چه عقائد ما مسلمانان بلند تر است و از برکت همین
 عقائد اسلامیه هم وقت بمعاونت خدا و روحانیت رسول الله
 میتوانیم که دشمنان شرف و عزت خود مان را مانند سگ عقب
 بنشانیم و چنانچه بار بار امتحان هم داده ایم ، باو هم اگر قوه
 ظالمه و معنویات و ثروت ما هم درست باشد معلوم است که از

همدستی و اجتماع این دو قوه ظ-اهری و باطنی به بسیار خوبی
 می توانیم دشمنان خود را بسپا کنیم و مطلب مقدس خود را
 ازوشان به آسانی بگیریم !
 شما خواهید گفت که در مکاتب موجوده ما مجز از خواندن
 و نوشتن ودانستن عقائد اسلامیه و بعضی مقدمات علمیه دیگر
 تعلیمات که از آلات و ادوات حربی و دیگر اسباب ترقی و تعالی
 بدست می آید موجود نیست . عرض می کنم که بلی در مکاتب
 ابتدائی افغانستان همین تعلیمات فوق موجود هست لکن بمجربیکه
 اولاد شما خواننده و نویسنده شدند گویا کلید تمام علوم و فنون
 را یافتند و پس از آن برای آنها بسیار سهل و آسان است که
 هر علم و فنی را که خواهش داشته باشند در دیگر مکاتب عال
 تحصیل کنند . خودم بشما ضامن میشوم همین اولاد شما که
 تعلیمات ابتدائی خود را تکمیل کردند ، مهندس ، کان شناس
 تاجر ، زرگر ، آهنگر ، منصبدار نظامی ، حاکم ، قاضی
 و غیره و غیره شده میتوانند بشرط تکمیل همان شعبه بهمان کار
 متخصص شناخته میشوند ؛ در خوبی و لزوم علم و عرفان هر فردیکه
 بشما توضیحات بدهم کم است . خلاصه شما توصیه و امر میکنم
 که اولاد های خود تانرا حتما در مکاتب که به بلوی خانه های
 تان است و همه مصارف و مخارج آن بردوش حکومت می باشد
 بفرستید و به ناز و محبتی که مانع تعلیم آنها باشد ، زندگانی آئینه
 آنها را خراب نکنید و به ثروت و اسباب جهانداری که داشته باشید
 فریفته و مغرور نشوید و بر آن منازید که مال دنیوی ضامن سعادت
 آینده اطفال تان در صورتیکه بی علم و بی کمال و نااهل باشند .
 هرگز شده نمیتواند اگر چه بهزارها جریب زمین و بهلکهاروبه
 نقد باشد ؛ بلکه در صورت بی تعلیمی و نالافتی همان اولاد شما
 که بناز و محبت شما پرورش یافته باشد ، همین مال و متاع دنیوی که
 شما را در ظرف چند روز بباد فنا داده خودش بیک حالت
 پریشانی زندگانی خود را بسر میکند . وقتیکه مال و دولت
 و زمین خود را فدای تعلیم و تربیه اولاد خود بندهاشید الی
 مادام الحیات اگر چه بیک حبه و دیناری را هم برای او نگاهدانه
 باشید ، نه تنها همان اولاد شما آرام و آسوده و معززانه زندگانی
 میکند ، بلکه باعث آرامی و آسوده حالی و نیکبختی تمام
 خویشاوندان و اهل محله و قریه خود میباشد ؛
 گمان نکنید که طلب علم فقط بالای مردان فرض است
 و پس ؛ بلکه دانستن علم و کمال برابر بالای مرد و زن از طرف
 خدا فرض است و بدین امر خداوندی تمام علماء و دانستگان
 شما اطلاع دارند . پس مساویانه در تعلیم پسران و دختران خود

بکوشید که در آخرت از تعلیم و تربیه اولاده ذکور و انات خویش
 مسئول خواهید بود ، و بدانید که احکام و اوامر دینی و مذهبی
 بالای زن و مرد یکسان فرض است . همچنان که مردان را
 لازم است که از احکام وضو و نماز و روزه و زکات و حج و غیره
 ارکان دینی باخبر باشند همچنان بر زنان نیز واجب است علاوه
 در صورتیکه زنان عالمه و صاحبه تربیه باشند طبعاً اولاد آن مادر
 هم در آغوش او که مکتب نخستین اطفال گفته می شود و زیاده
 تر عمر گران مایه طفل به پیش مادر بصرف میرسد صاحب
 دانش و تربیه می آید !

اسلام گردان و برایش توفیق کرامت فرما تا آن چراغ اسلامی را
 که رهنمای جهان و جبهانین بود از باد های مشعل کش قن و صرصر
 حوادث نگه کرده بتواند !

خدا یا این دعاهای ما را چون خالصانه است و از دل پردرد ما
 با آه های سرد یکجایی بر آید قبول و بما توفیق خدمت اسلام را
 عطا فرما !
 اللهم ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا
 ربنا عذاب النار !

خطبه دومین

حمد و نعت و منقبت بزبان عربی !

خدایا بدر باریت به بسیار عجز و نیاز بادل های پارچه پارچه و
 چشم های بر خون عرض میکنیم تا علم اسلام را ازین حالت
 فلاکت بر آورده این حلقه آهنین دشمنان اسلام را که دورا دور
 ما را گرفته اند از هم دریده تمام مکر و حربه آنها را که برخلاف
 مسلمانان همی نمایند نا کامیاب ثابت گردان ؛ خدا یا ملت نجیب
 افغانستان را توفیق رفیق فرما تا برای ترقی و تعالی این نقطه
 مقدسه اسلامیه بجان و دل بکوشند و تمامی مساعی و کوشش
 های شانرا در سرسبزی و آبیاری این مملکت پاکیزه خود مصرف
 دارند و به ترقیاتی که آرزو و خواهش این خدمتگار عاجز شان
 است کامیاب شوند !

الهی تمام مامورین و علمای و سادات و مشائخ و ملت افغانستان
 را که در حفظ و حمایت و عزت و شرافت مملکت خود کوشش
 می کنند و جان و مال خود را نثارش میفرمایند ، در دین و دنیا
 سرفراز و نیکبخت فرمائید و عسکر افغانستان و کسانی را که برای
 اسلام و افغانستان خدمت میکنند و آرزوهای ترقیات او را بدل
 می پروراند در هر میدان فاتح و سرفراز و ممتاز گردانی !

الهی این عاجز را که بجز از عشق آبادی ملت و سرسبزی
 ملت خود دیگر تمنائی بدل ندارد بمقاصدش موفق گردان و
 دیگر سلطنت های اسلامیه را که برادران ماترکیه و ایران
 میباشند با مسلمانان هند ، عرب ، مصر مراکش و تونس و الجزائر
 و دیگر نقاط اسلامیه در حفاظت و حراست خود نگهدار و تمام
 اقوام و تبعه شانرا به راه هدایت خودت راهنمایی فرما تا از شر
 بدخواهان و دشمنان خویش محفوظ بمانند !

الهی به بسیار عجز و نیاز التجا میکنم که افغانستان را موجب
 سعادت علم اسلام و سبب نجات و اتحاد و اتفاق اسلامیان بگردانی
 و از آسیب و شرور خائنین داخلی و خارجی او را همیشه نگهبانی
 فرما !

هدا لله ان الله یامر بالعدل والاحسان (الایه)

دشمنان ما و شما همین اساسهای مقدس دینی ما را با وجودیکه
 به آن عقیده دینی ندارند گرفتند و تاجاییکه می بینید ترقی کردند .
 ما و شما ، باینکه طلب علم بالای ما فرض است و از طرف خدا
 و رسول بر ما تا کید طلب آن شده است ، در تحصیل آن نمی کوشیم
 از همین جهت است آهسته آهسته باندازه از علوم و فنون که حق
 موروثی و ایمانی خود ما مسلمانان است بیگانه و به نفاق و جهل و نادانی
 آغشته شدیم که علم و عرفان را از ان کفار می انکاریم و در نتیجه
 در هزار نفر ما یک نفر خواننده و نویسنده هم پیدا نمی شود
 (در اینجا بر ذات ملوکانه اثر گریه طاری و همکنان زیر تاثیر
 آمده گریان شدند)

آبادی بت خانه زویرانی ماست

جمعیت کفر از پریشانی ماست

اسلام بذات خود ندارد خلی

هر عیب که هست در مسلمانی ماست

عزیزانم ؛ مسئولیت ما و شما در میان عالم اسلام بسیار ، و موفقیت
 ما جای امید مسلمانان جهان است اگر ما و شما درین موقع
 نازک که اسلام در میسان یک حلقه کفر افتاده است و درین
 زمان ترقی و تعالی برای بهبود عالم اسلام و اتحاد و اتفاق مسلمانان
 و تحصیل علوم و فنون و دیگر اسباب و وسائل سعادت و نیکبختی
 خود نکوشیم و یک اقدام شایان تقدیری درین مورد نمودیم
 خدا نا خواسته در دنیا بدنام و در آخرت نزد خدا و رسول
 سخت مسئول و شرمسار خواهیم بود !

خدا یا الفاظ عاجزانه ام را که برای ترقی و بیداری ملت
 خود میگویم موثر گردان !

خدا یا به طامه ملت افغانستان توفیق را رفیق گردان تا اولاد
 های خود را به آغوش شفقت من در مکاتب داخل کنند و از
 فیوضات تعلیم بهره ور شوند !

خدایا به برکت رسول مقبول افغانستان را سبب نجات عالم

حوادث خارجیه *

ایران *

بعد از جلوس اعلیحضرت رضا شاه پهلوی بر تخت کشور ایران اطلاعات تازه نسبت به ایران نرسیده است مگر افواها شنیده شد که قصد سوئی نسبت به رضا شاه بعمل آمده است ولی این شایعه را سفارت محترمه ایران مقیم کابل بموجب اطلاع ذیل تردید نمود .

شایعه را که خبر نگاران بعضی از جراند راجع به سوء قصدی نسبت به اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاهی رضاشاه پهلوی منتشر ساخته بودند بکلی عاری از حقیقت و اساس می باشد . در ایران قانون نظام اجباری جاری شده است

یونان *

ژنرال بنگولوس خود را دکتاتور و حکمران مطلق یونان اعلان نموده . درین اعلان می نویسد : « ازین روز به همراهی قشون بری و بحری بر مملکت یونان خود مختارانه حکومت می نمایم . و در ظرف چند ماه قوه بحری یونان درست شده بر سواحل مشرقی بحر روم حاوی می شود ، و قشون یونان از قشون همه حکومت های بالکان قوی و باصلابت خواهد شد » ازین اعلان جنرال بنگولوس به تمام مردم حیرت و تعجب دست داده و یک هیجان سیاسی میان مردم تولد یافته بر اعلان مذکور فقط امضای رئیس الوزرا است لهذا لیدر های سیاسی حیرت دارند که مسلك رئیس الوزرا چگونه یکایک تغییر یافت .

(ایتالیه)

در ایتالیه شایعه ها دور میرد که انگلیسها برای سروس هوایی خود که میان لندن و افریقای جنوبی دار کردن میخواهند بعضی قیام گاه ها در خاک ایتالی درست می کنند حکومت ایتالی بر علیه آن شایعه ها اظهار داشته که حکومت ایتالی هیچگاه به کبانی اجنبی اجازه نمیدهد که در خاک ایتالی قرار گاه هوایی بسازد .

وزیر مالیات ایتالی با سه نفر همراه خود وارد لندن شده و میخواهد در خصوص قرضه های جنگ بایرطانیه تفاهم حاصل نماید .

(بلغاریه)

رئیس الوزرای بلغار استعفا نموده مسیو ایم چی یوف به ترتیب کابینه جدید مقرر گردیده . این شخص قبل ازین دو مرتبه وزیر مالیات بود و از طرف بلغاریه تقاضا نامه تعطیل جنگ را امضا نموده و در تنظیم امور دهاقین توجه زیادی مبذول داشته .

سیلابها و آب خیزیها *

در اروپا

در انگلستان ، فرانسه ، بلجیم ، هالیند و بعضی ولایات دیگر انقلاب کلی در هوا تولد یافته دریاها طغیان نموده و آبها سر ریزه کرده به آبادی ها و مساکن خساره ها رسانیده مردم سرا سیمه و پریشان شده اند . از طرف دیگر هوا بسیار سرد شده و برفهای زیاد باریده چنانچه سلسله برفباری از انگلستان تا ایتالی امتداد داشته است . از باعث شدت برفباری در مواصلات و رفت و آمد مردم هم سخته وارد گردیده .

اعلان

نقشه های کابل و شش گروهی

برای اشخاص باسواد ، داشتن نقشه های جغرافی دنیا مخصوصاً از وطن بازمه از شهر و ما حول آن که در آن سکونت دارند بسیار مهم و ضروری است . ریاست دار الامان کوشش نموده نقشه شهر قندهار و ما حول آن ، نقشه های شهر کابل و شش گروهی آن و نقشه سمت جنوبی را ترتیب و به طبع رسانیده اینک اعلان می نماید که شایقین ، نقشه های ذیل را از شعبه مهندسی ریاست دار الامان پس از تحویل قیمت آن بخزانة دار الامان حاصل کرده می توانند .

قیمت يك قطعه	نقشه
۱۰ روپيه	(۱) نقشه شهر قندهار
۱۰	(۲) سمت جنوبی
۱۰	(۳) تنها شهر کابل
۱۰	(۴) تنها شهردار الامان
۱۵	(۵) شهردار الامان و چهاردهی
۲۰	(۶) شهردار الامان و چهاردهی و کابل
۱۰	(۷) شش گروهی

در مطبعه حروفی شرکت رفیق طبع گردید .